ادعای اعتبار عقلاء نسبت به معامله هوش مصنوعی، بدون نیاز به تصویر قصد برای هوش مصنوعی

جلسه قبل فرمایشی فرمودند و بحثی شد که خدمتشان عرض کردم مکتوب کنند و ارسال کنند. من عبارت ایشان را میخوانم.

> آیا «ملکیت» یا «عقد» عنصر حقوقی مستقل از انسان است؟ آیا می‌توان آن را برای یک محصول هوش مصنوعی ثابت کرد؟ در فضای فقه معاملات با چه روشی باید شرطیت قصد در هوش مصنوعی را دنبال کرد؟ تحلیل حقوقی این بحث از جهاتی شبیه به بحث شخص اعتباری است. هر اعتباری از جمله اعتبار ملکیت و عقد، برای هوش مصنوعی یا شخص اعتباری، تابع هویت حقوقی آن است. عقلا وقتی شخص اعتباری را اعتبار می کنند و یا ملکیت و عقد را برای هوش مصنوعی اعتبار می کنند، این اعتبار در راستای استیفای اغراض خود عقلاست که حامل ارزش آن، اعتبار بخشیدن به شخص حقوقی یا مالک بودن هوش مصنوعی است. (در این نگاه مستقل بودن معنا ندارد هر چند به معنای صحت مباشرت، استقلال معنا دارد) مثلا وقتی روابط مالی پیچیده شد و ذهن یک انسان و روابط محدود او نتوانست این روابط پیچیده مالی را مدیریت کند، در اینجا خود عقلا می‌بینند برای تامین این هدف، لازم است شخص اعتباری از قبیل بانک را اعتبار کنند. در مورد هوش مصنوعی هم به همین نحو است. عقلا اغراضی نسبت به تدقیق در معاملات و تشخیص صحیح و دقیق قیم و غایات دارند که حامل ارزش آن، اعتبار مالکیت برای هوش مصنوعی است.(خود اعتبار بخشیدن حامل ارزش است). ایده این نوشته این است که در این فضا وقتی این اعتبار عقلائی شد، اساسا ضرورتی ندارد که اعتبار شرطی از قبیل قصد را پیش فرض بگیریم و به سراغ تحلیل آن برویم.
>
> توضیح اینکه با توجه به رویکرد امضائی شارع در معاملات، بعد از اعتبار ملکیت و صلاحیت طرف عقد واقع شدن از جانب عقلا، و صدق

> **عرفی عنوان عقد، بر معاملهای که یک طرف آن هوش مصنوعی است، موضوع ادله امضائی که عقد عرفی است، تحقق پیدا می کند و امضاء شارع نسبت به آن هم ثابت میشود.(روشن است که همین که عقلا به سمت اعتبار ملکیت ای عقد برای هوش مصنوعی میروند، خودش تضمین عقلائی بودن آن است و وجهی برای تشککیک وجود ندارد). به عبارت دیگر، رویکرد شارع در معاملات به این نحو نبوده که بفرماید: القصد شرط فی العقد و البلوغ شرط و... بلکه طبق تلقی مشهور، هر آنچه عقد عرفی بوده را امضاء کرده است و بیان مواردی را که قبول ندارد، به عهده گرفته است. بنابراین ممکن است گفته شود ضرورتی ندارد از ابتدا عنوانی مثل قصد را علم کرده و به تحلیل آن پرداخت تا ببینیم آیا هوش مصنوعی واجد شرائط است یا خیر؟ بلکه ابتدا باید نظر به حدود عرفی عقد کرد و سپس در طول آن ادله اثباتی شارع را نظر کرد.**
>
> **طبق این نگاه، بر اساس تحلیل سابق، همین که خود عقلا به سمت اعتبار هوش مصنوعی به عنوان مالک رفتهاند، تضمین عقلائی بودن آن است. شارع هم بیان لفظی خاصی در حیطه قصد ندارد. و اگر ادله لبی از قبیل اجماع و... در کار باشد، منصرف به بخشی از عقود عرفی است که از جانب انسان صادر میشود.و اساسا بعید نیست بگوییم این عنوان برچسبی به موارد معتبر عرفی است که از طریق شارع امضاء شده. بنابراین حتی لازم نیست بحث اثباتی بودن و یا از قبیل رفع مانع بودن آن را مطرح کرد.[1]**

«آیا «ملکیت» یا «عقد»، عنصر حقوقی مستقل از انسان است؟ آیا می توان آن را برای یک محصول هوش مصنوعی ثابت کرد؟»؛ یعنی ملکیت و عقد را. «در فضای فقه معاملات با چه روشی باید شرطیت قصد در هوش مصنوعی را دنبال کرد؟»؛ اصالً نیازی هست یا نیست؟ ممکن است از طریقی برویم که اصالً نیازی به این بحثها نباشد.

«تحلیل حقوقی این بحث از جهاتی شبیه به بحث شخص اعتباری است. هر اعتباری از جمله اعتبار ملکیت و عقد، برای هوش مصنوعی یا شخص اعتباری، تابع هویت حقوقی آن است»؛ هویت حقوقی آن باید معلوم بشود تا ببینیم این اعتبار کجای کار قرارداد و شرائط و خصوصیاتش چیست.

«عقلاء وقتی شخص اعتباری را اعتبار میکنند»؛ مثل بانک یا دولت، «و یا ملکیت و عقد را برای هوش مصنوعی اعتبار میکنند، این اعتبار در راستای استیفای اغراض خود عقلاست که حامل ارزش آن، اعتبار بخشیدن به شخص حقوقی یا مالک بودن هوش مصنوعی است»؛ اینها مطالب خوب و درستی است و مبادی مطالبی است که عرض کردم و من هم قبول دارم و ان شاء الله میرسیم ببینیم در چه چیزی با آنچه که عرض کردم تفاوت پیدا میکند. شخص اعتباری که گفته میشود، شاید تعبیر «شخصیت» بهتر باشد. چون علی ای حال در شخص، تشخص هست.

علی ای حال این اعتبار را برای اغراضی انجام میدهند؛ نکتهای که در اینجا مهم است و قبلاً هم دو-سه سطری در مورد نظام فقه گفتیم، همین فرمایش در آنجا اشاره شده بود؛ که نکته بسیار ظریف در حاملهای ارزش این است که گاهی عقلاء با اعتبار کردن، حامل ارزش را درست میکنند.

یعنی خود اعتبار کردنشان حامل ارزش را درست می‌کند. مثل پول اعتباری؛ اعتباری است اما بعد از اعتبار آن‌ها، الآن حامل ارزش است و از آن، کار برمی‌آید و واقعاً در خارج کار انجام می‌دهد. حامل ارزش، فقط ارزش‌های تکوینی نیست. حامل‌های ارزش مراتب متعددی دارد که در آنجا هم اشاره شد. لذا فرموده‌اند: همین که عقلاء اعتبار کرده‌اند، این اعتبار، حامل ارزش می‌شود تا به اغراض خودشان برسند.

«در این نگاه، مستقل بودن معنا ندارد»؛ چون تا زمانی‌که عقلاء نباشند، اعتبارشان نیست و اعتبارشان هم بند به عقلاء است، چطور می‌خواهید بگویید یک عنصر حقوقی به نام ملکیت هوش مصنوعی، شخصیت اعتباری مثل بانک و دولت و شرکت و... ای خود مسجد به این عنوان که مالک باشد، مستقل باشند؟! **«هر چند به معنای صحت مباشرت، استقلال معنا دارد»؛** یعنی خود هوش مصنوعی مباشراً کاری را انجام می‌دهد. ولی اگر عقلاء قبلاً آن را به مرحله حامل ارزش نرسانده باشند، چیز مستقلی به نام ملکیت هوش مصنوعی و عاقد بودن هوش مصنوعی نخواهیم داشت.

«مثلا وقتی روابط مالی پیچیده شد و ذمه یک انسان و روابط محدود او نتوانست این روابط پیچیده مالی را مدیریت کند، در اینجا خود عقلا می‌بینند برای تامین این هدف، لازم است شخص اعتباری از قبیل بانک را اعتبار کنند»؛ خب با این اعتبار آن‌ها یک هویت حقوقی پدید می‌آید که بند به انسان و بند به اعتبارات عقلاء است که اگر عقلاء و اعتبار آن‌ها نبود، این هویت حقوقی و این ماهیت بانک هم نبود.

«در مورد هوش مصنوعی هم به همین نحو است. عقلا اغراضی نسبت به تدقیق در معاملات و تشخیص صحیح و دقیق قیم و غایات دارند که حامل ارزش آن، اعتبار مالکیت برای هوش مصنوعی است.(خود اعتبار بخشیدن، حامل ارزش است). ایده این نوشته این است که در این فضا وقتی این اعتبار عقلائی شد»؛ که هوش مصنوعی مالک یا عاقد شد، «اساسا ضرورتی ندارد که اعتبار شرطی از قبیل قصد را پیش فرض بگیریم و به سراغ تحلیل آن برویم»؛ به قصد چکار داریم؟! که هوش مصنوعی قصد دارد یا ندارد.

«توضیح این که با توجه به رویکرد امضائی شارع در معاملات، بعد از اعتبار ملکیت و صلاحیت طرف عقد واقع شدن از جانب عقلا، و صدق عرفی عنوان عقد، بر معاملاتی که یک طرف آن هوش مصنوعی است، موضوع ادله امضائی که عقد عرفی است، تحقق پیدا می‌کند و امضاء شارع نسبت به آن هم ثابت می‌شود»؛ چون عقد را امضاء فرموده‌اند، خب اینجا هم عقد هست و دیگر به چیزی نیاز نداریم. **«(روشن است که همین که عقلا به سمت اعتبار ملکیت یا عقد برای هوش مصنوعی می‌روند، خودش تضمین عقلائی بودن آن است و وجهی برای تشکیک وجود ندارد). به عبارت دیگر، رویکرد شارع در معاملات به این نحو نبوده که بفرماید: القصد شرط فی العقد و البلوغ شرط و... بلکه طبق تلقی مشهور، هر آنچه عقد عرفی بوده را امضاء کرده است و بیان مواردی را که قبول ندارد، به عهده گرفته است. بنابراین ممکن است گفته شود ضرورتی ندارد از ابتدا عنوانی مثل قصد را علم کرده و به تحلیل آن پرداخت تا ببینیم آیا هوش مصنوعی واجد شرائط است یا خیر؟ بلکه ابتدا باید نظر به حدود عرفی عقد کرد و سپس در طول آن، ادله اثباتی شارع را نظر کرد. طبق این نگاه، بر اساس تحلیل سابق، همین که خود عقلا به سمت اعتبار هوش مصنوعی به عنوان مالک رفته‌اند، تضمین عقلائی بودن آن است. شارع هم بیان لفظی خاصی در حیطه قصد ندارد. و اگر ادله لبی از قبیل اجماع و... در کار باشد، منصرف به بخشی از عقود عرفی است که از جانب انسان صادر می‌شود. و اساسا بعید نیست بگوییم این عنوان، برچسبی به موارد معتبر عرفی است که از طریق شارع امضاء شده. بنابراین حتی لازم نیست بحث اثباتی بودن و**

ای از قبیل رفع مانع بودن آن را مطرح کرد». این حاصل فرمایش ایشان بود. حال من برمی‌گردم و بعضی از سؤالات و بحث‌هایی که در ذهنم هست را عرض می‌کنم و با آن احتمالی که در جلسه قبل عرض کردم، آن را بررسی می‌کنیم.

آنچه که من عرض کردم این بود: آیا عناصر حقوقی برای خودشان یک استقلالی دارند یا ندارند؟ یعنی حتماً لازم نیست ناظر به انسان باشند. انسان یک مصداق و صغرایی از جری آن‌ها است. خب ایشان بیان فرمودند که این‌ها اصلاً نمی‌توانند از انسان منعزل باشند. چون هویت حقوقی آن‌ها، اعتبار است و عقلاء با اعتبار کردن، به آن‌ها ارزش داده‌اند. خب سؤال این است که با اعتبار کردن چطور یک چیزی می‌تواند حامل ارزش شود؟ اعتبار که اعتبار است!

---

[1] فدکیه

بازبینی #2
ایجاد شده 14 سپتامبر 2025 14:39:35 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 اکتبر 2025 13:49:28 توسط ... .